

ای صبح فتح تو میلاد روشنی
آید این زمان ریشه ظلمت در طنین
بیرق سپیده را بر جهان زنید
ای صبح پر شکوه بر فرع نشسته تار
تا بر لوح شب نقشی از خورشید بر زنیم
برخیز بر فروز آتشی از نای تفنگ
آنچنان برخوان نغمه تکبیر تا شکافد قلب سنگ
از دل و از جان شو سوی میدان با سلاح عشق و ایمان
وقت است حین رزم بر کشی از گلوی قیام
دل به دریا زن تا تو را باشد ناخدایی همچون امام
همتی کن تا انقلاب ما جاودان گیرد انفجار